

نقش حرکات و اصوات و بعضی کلمات در مکالمه فارسی

بعضی از اندامهایی که در کار گفتار نیستند گاه در مکالمه مکمل گفتار اند .
یک صوت معین و یا حرکت ابرو و گردش چشم و بسته و باز کردن پلکها و حرکت دادن
دستها در محاوره، دارای معانی خاصی است. گاهی فقط حرکات بعضی از اندامها ،
خود مفید معنی است بدون اینکه سخنی گفته شده باشد. مثلاً کسی که در پاسخ سؤالی
سر را به علامت نفی یا اثبات می‌جنباند . بدون اینکه سخنی بگوید، معنائی را
منتقل میکند .

غیر از حرکات ارادی. عکس العمل‌های طبیعی انسان در برابر حوادث ، مانند
پریدگی رنگ چهره به سبب ترس یا بیماری، و برافروختگی چهره به سبب خشم نیز مفید
معنی است ولی چون این حالات در محاوره شاذ و نادراند در این جا بحثی از آنها
به میان نمی‌آوریم.

آنچه در این مبحث مورد توجه ماست ، حرکات و اصوات و بعضی از کلماتی
است که در مکالمه روزمره مردم فارسی زبان بویژه در تهران جاری است و مفید
معنی خاصی است و برای یک فرد خارجی که میخواهد زبان گفتاری فارسی را بیاموزد؛
وقوف بر معنی کلمات و کیفیت تعبیر اصوات و حرکات ضرور است.

الف - نقش حرکات

توضیح نقش حرکات و اندامهای غیر گفتاری در مکالمه باید با فیلم و
عکس و اسلاید همراه باشد و حرکات سرو دست و تغییرات اجزای صورت که جنبه
عمگانی و در گفتار نقشی دارند تصویربرداری و توضیح داده شود؛ که البته مستلزم

صرف وقت و داشتن امکانات فنی است. واضح و گفتنی است که بسیاری از حرکات مانند حرکت دادن دستها موقع سخن گفتن و یا تغییر خطوط چهره در حالات مختلف، نزد اکثر ملت‌ها یکسان است، معهذوقوف بر خصوصیات و کیفیت تعبیر این نوع حرکات در بین مردمی که زبان آنان به عنوان زبان خارجی فرا گرفته میشود، برای فراگیرندگان دارای اهمیت بسیار است.

ب - نقش اصوات :

قبل از بیان اصوات متداول در محاوره فارسی، بی مناسبت نیست دو صوت تقلیدی نیز توضیح داده شود:

شاید به تقلید از مکالمه فرنگیان صدای «هی، Hey» در مخاطب قرار دادن اشخاص تکیه کلام برخی از مردم شده است؛ به ویژه در کودکان که استعداد تقلید بیشتری دارند.

این صوت در محاوره فارسی زبانان پسندیده نیست و گاه دواز ادب تلقی می‌شود. مخصوصاً اگر فرزندی به پدر و مادر و یا کوچکتری با این صدا بزرگتری را طرف خطاب قرار دهد. مثلاً «کودکی بگوید: «هی، پدر» به هر حال اگر چنین صدائی مورد استفاده فارسی زبانان قرار گیرد اولاً در حالتی است که کسی را به صدای بلند آواز دهند و در ثانی چنین صدائی معمولاً در آخر کلام است.

یکی دیگر از موارد تقلید بعضی از فارسی زبانان از لحن خارجی، امتداد دنباله آهنگ کلمه‌ای است برای بیان کلمات بعدی. این صدا گاه آنقدر طولانی میشود که شنونده خسته و مشمئز می‌گردد و به هیچ وجه در مکالمه فارسی پسندیده نیست. و اینک اصوات متداول در محاوره فارسی:

۱- «او، ow». بسیار دیده‌ایم کسانی را که برای تحقیر و خوار شمردن طرف مقابل خود صدائی به آهنگ «او، ow» به اول کلام خود اضافه می‌کنند. یعنی صدای منادای «آی، āy یا آهای āhāy» را به «او، ow یا اوی، owy» تبدیل می‌کنند و به جای اینکه بگویند «آی آقا» می‌گویند «او آقا» و شایسته است به فراگیرندگان زبان توجه

داد که تلفظ صورت اخیر، حکایت از تحقیر دارد و ناپسند است و اغلب کسی که طرف چنین خطابی قرار می‌گیرد، اگر مرعوب نباشد، برمی‌گردد و جوابی درشت میدهد.

۲- «ها، hā و آها، āhā» علامت و تکیه‌ای برای اظهار تعجب و اعلام تأکید است. بیشتر بزرگتران که میخواهند مطلبی را به کودکان و کوچکتران گوشزد کنند در پایان جمله‌ای که موضوع را در بردارد با آهنگی مخصوص لفظ «ها، hā» را می‌آورند و مثلاً می‌گویند: «اونجا به چیزی دست نزنه‌ها» (۰).

- گاهی بجای آری و بله بکار می‌رود که البته مؤدبانه نیست مخصوصاً اگر کوچکتری در پاسخ بزرگتر از خود بجای بله و آره بکار برد.

- گاهی علامت تأیید امری است مانند: «ها، درست شد». «آها تمام شد» که در این صورت بردرستی و اتمام امری نیز دلالت می‌کند.

- «ها» به تنهایی علامت استفهام و با عبارات استفهامی علامت تأکید استفهام است و طلب توضیح تأکید استفهام مانند: «هاچی گفتی؟» یا «چی گفتی‌ها؟» و این چنین جمله معمولاً وقتی گفته میشود که کسی حرفی زده و طرف مقابل سخن او را نشنیده و یا خوب متوجه نشده و یا مطلب برای شنونده غیرقابل قبول بوده است.

- گاهی به تنهایی علامت تخفیف و استهزاء و تمسخر است که در این معنی «ها» به صورت مخفف و نزدیک به «هه، he» تلفظ و غالباً دونا سه بار تکرار می‌شود.

۳- «د، de» این صوت در زبان گفتاری اهالی تهران بسیار بکار می‌رود.

چند مورد استعمال آن به این شرح است:

✽ در این نوع جمله‌ها که حالت امری یا نهی دارند و به «ای، i» ختم می‌شوند

«ها، hā» مختصری تغییر تلفظ پیدامی‌کند و تقریباً «یا، yā» تلفظ میشود.

- اگر بین «آ، ā و ها، hā» موقعی که ادا می‌شوند کمی فاصله بیفتد نشان سهولت انجام-

یافتن کاری است مانند: «اینکه کاری ندارد، بین آ.ها»

در بعضی مواقع به صورت «اهه، ehe» و به عنوان جواب رد به کسی که طمعی به

چیزی بسته است یا ادعائی بی‌اساس دارد گفته می‌شود، مانند: اهد، نه بابا.

- «د، de همراه با هه، he یا هه، ha». این صورت وقتی بکار می‌رود که شخص بخواهد اعتراض خود را به عمل کسی نشان دهد و غالباً بدنبال دِهه یا دَهه گفته می‌شود «چه معنی داره؟»

- «د، همراه با نه، na» وقتی کسی بخواهد تنگ حوصلگی خود را از انجام یافتن یا از صورت نگرفتن کاری که مورد انتظار اوست نشان بدهد در شروع جمله خود «د، de» و در پایان «نه، na» بکار می‌برد. مانند: «د، پرو، نه». «د، بگو، نه».

۴- «ا، e». این صوت غالباً تا سه بار تکرار می‌شود و برای نشان دادن نهایت تعجب و گاهی اظهار ناخوشایندی و تأسف بر چیزی یا کاری است.

۵- «هوم، hoom». طرز تلفظ این صدا همراه با حرکات مختلف اجزای صورت معانی متفاوتی را منتقل می‌کند:

- گاهی علامت تائید کار پسندیده کسی است. که در این صورت ابروها بالا می‌رود و چشمها گشاده و بالبهای بسته «هوم» کشیده گفته می‌شود، به صدای «هوم»، hoom.

- گاهی علامت استفهام است. که در این صورت ابروها در هم می‌رود و چشمهاتنگ و بادهن بسته «هوم» کوتاه گفته می‌شود. به صدای «هوم»، hoom.

ج - نقش عبارات یا کلمات :

۱- آره. این کلمه بیشتر برای تصدیق و تأیید و پاسخ مثبت بکار می‌رود. اما تغییر آهنگ آن، ایجاد معانی مختلف می‌کند. مثلاً تکیه بر روی «آ» و تلفظ کشیده آن، نشان دهنده بی اعتمادی و باور نداشتن و عدم قبول است. مانند: «آره، گفتی و باور کردم» یا «آره، جون تو». این کلمه در معنی تأیید و پاسخ مثبت گاهی همراه با کلمه جونم «می‌آید و گفته می‌شود «آره جونم».

۲- «اب، اُپ = خب، خوب ob = op = xob» علامتی است برای توقف و ایستادن و امروز بیشتر برای جلو، عقب کردن ماشین و هدایت راننده بکار می‌رود.

- ۳- «اوناها، اوناهاش . unāhā . unāhāš» برای نشان دادن چیزی در دور بکار می‌رود. مخصوصاً اگر مدتی در پی آن گشته و در جستجویش بوده باشند.
- ۴- آخ جون. برای اظهار شادمانی بسیار و اعلام علاقه شدید به چیزی.
- ۵- ای بابا. برای اظهار بی تفاوتی و یأس و یا اظهار تعجب همراه با تأسف از چیزی که البته در هر مورد آهنگ تلفظ متفاوت است.
- ۶- ای داد و ببداد. برای نشان دادن تأذی و به امان آمدن و ناراحتی از چیزی.
- ۷- انگار. گاهی برای تصدیق مشروط امری و گاهی برای بی اهمیت نشان دادن چیزی بکار می‌رود. مانند: «انگار کن خریدی» «انگار راست میگی».
- ۸- برو بابا. برای نشان دادن بی حوصلگی و عدم علاقه به چیزی و آماده نبودن برای انجام دادن کاری که در این صورت آدم بی علاقه میگوید. «برو بابا خدا پدرتو (پدرت را) بیامرزه، توأم (توهم) وقت گیر آوردی.»
- ۹- بزن بریم. جمله‌ای است برای شروع حرکت و مساوی است با «راه بیفت»، «حرکت کن.»
- ۱۰- «به به bah bah». نشان خوشحالی و رضایت و تحسین و آفرین و برای نشان دادن تعجب از افزونی پسندیده در چیزی است.
- ۱۱- همین لفظ (به به) اگر به صورت «بهه، baha'h» تلفظ شود دیگر نشان تحسین و رضایت نیست؛ بلکه نشان ناخشنودی و اعتراض است.
- ۱۲- واه واه. برای نشان دادن تعجب از افزونی ناپسند در چیزی و بیشتر تکیه کلام خانمهاست.
- ۱۳- وای. نشان وحشت از چیزی و اگر بدنبال آن لفظ بر بیاید نشان بیم و تهدید است.
- ۱۴- دیدی حالا. برای بیان نتیجه و عاقبت کار؛ نتیجه‌ای که مطلوب و خوشایند و دلپسند نیست. همچنین به مفهوم توقع داشتن یا توقع نداشتن چیزی از کسی است. که در این صورت هجاهاى کلمه «دیدى» کشیده‌تر است.

۱۵- حالا میگی چکار کنم. این جمله در موقعی گفته میشود که کسی راجع به صورت گرفتن یا انجام نشدن کاری به کسی اعتراض می کند و آن کس برای نشان دادن بی اعتنائی خود نسبت به آن مسأله و یا عدم مسؤولیت وی در آن کار میگوید: «حالا میگی چکار کنم، شده که شده»

۱۶- آفرین. برای تمجید کار کسی بیان می شود.

غیر از این موارد کلمات و عباراتی که به عنوان فحش یا نفرین بکار می روند نیز در زبان هست که اگر زیاد مستهجن و مبتذل نباشد برای مزید وقوف فراگیرندگان زبان، بدنیست بدانها نیز اشاره ای بشود.

البته، آوازه ها و کلمه ها و عبارات دیگری نیز میتوان یافت که در محاوره مفید معانی خاص هستند و شایسته است به دقت بررسی و ثبت و ضبط شوند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی